

آسیای میانه گمانه‌هایی برای برپائی یک رازمان (نظام) اقتصادی

ناصر فرشادگیر[✉]

منطقه آسیای مرکزی - خزر، در زمینه منابع انرژی یکی از سرشارترین مناطق جهان است. از همین روی، بیشتر کشورها برای نیل به حقوق گسترش کانساری نفت و گاز در این منطقه با هم پیکار می‌کنند و در همان حال نیز تلاش دارند تا به شیوه‌ای همگن، سهمی از یک بازار بالقوه سودآور در آن را فراچنگ آورند. آشکارا می‌توان دریافت که بنیان نهادن رازمان همکاری بین‌الملل در سوی گسترش بخش انرژی منطقه ضرورت دارد. اکنون، اگرچه نیاز به وجود چنین رازمانی شدیداً احساس می‌شود، اما ماهیت این نظام در هاله‌ای از تیرگیها قرار دارد. نه تنها کشورهای مستقلی چون آذربایجان، روسیه، ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، ترکیه و ایران با یکدیگر به پیکار می‌پردازند، بلکه همچنین برخی نهادهای بین‌المللی نیز با بهره‌گیری از

✉ دکتر ناصر فرشادگیر؛ عضو هیأت علمی دانشکده امور اقتصادی. معاون پژوهشکده امور اقتصادی.

«اعتراضات جامعه مدنی فراملی» وارد مبارزه شده‌اند.
این گفتار در پی بررسی چگونگی بریایی گمانه‌هایی برای بریایی یک رازمان (نظام)
اقتصادی سیاسی استوار در این منطقه است. و بر مبنای مکتب فکری واقع‌گرایی و تئوری
بازیها پرسیمانها را پی می‌گیرد.

کلید واژه‌ها:

منطقه آسیای مرکزی، دریای خزر، نظام حقوقی - اقتصادی دریای خزر،
اختلافات منطقه‌ای، تئوری بازیها

منطقه آسیای مرکزی - خزر، در زمینه منابع انرژی یکی از سرشارترین مناطق جهان است. از همین روی بیشتر کشورها برای نیل به حقوق گسترش کانساری نفت و گاز در این منطقه با هم پیکار می کنند و در همان حال نیز تلاش دارند تا به شیوه‌ای همگن سهمی از یک بازار بالقوه سودآور در آن را فراچنگ آورند. آشکارا می توان دریافت که بنیان نهادن رژیم همکاری بین الملل در سوی گسترش بخش انرژی منطقه ضرورت دارد. اکنون، اگرچه نیاز به وجود چنین رژیمی شدیداً احساس می شود، اما ماهیت این نظام در حاله‌ای از تیرگیها قرار دارد. نه تنها کشورهای مستقلی چون آذربایجان، روسیه، ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، ترکیه و ایران با یکدیگر به پیکار می پردازند، بلکه همچنین برخی نهادهای بین المللی نیز بر سر «اعتراضات جامعه مدنی فراملی» وارد مبارزه شده‌اند. شاهد گواه، تصمیماتی است که توسط مؤسسه همکاری مالی بین الملل^۱ اتخاذ گردید و مطابق با آن حدود ۳/۶ میلیون دلار جهت گسترش مناطق نفت خیز و خطوط لوله در منطقه آسیای مرکزی قفقاز سرمایه گذاری شد. در این میان واخواهی گروههای جهانی نگاهبان محیط زیست و سایر سازمانهای غیردولتی^۲ به سادگی نادیده گرفته شد و در پنهان به خاموشی گرائید. تا زمان برپایی یک رژیم بین المللی متقابل و مورد پذیرش برای توسعه منابع انرژی منطقه آسیای مرکزی - خزر، کشورهای مصرف کننده و تولیدکننده درگیر در منطقه؛ با وجود شماری گفتمانهای دو جانبه و چند جانبه ناپایدار، و بدون چارچوبی قانونمند، در پی منافع ملی خویش می باشند. همانگونه که نگردها و شماری از پژوهشهای موردی نشان می دهند؛ اگر یک همکاری خودجوش نیز در جریان این تنشها صورت پذیرد؛ حتی به هستی آمدن یک همکاری سودمند همرسی (متقابل) درازمدت میان کشورها به هیچ رو نتیجه تضمین شده‌ای را به همراه نمی آورد.^۳ مگر

1. IFC

2. NGO

3. Robert Axelrod, and Robert Keohane. "Achieving Cooperation under Anarchy", in Cooperation under Anarchy, edited by Kenneth A. Oye.

اینکه چارچوب قوانین بازی، بیشتر برقرار شوند و تمامی بازیگران از آن پیروی نمایند. با در نظر گرفتن نیاز برای تعیین قوانین و سنجه‌هایی در جهت همکاری، طراحی چارچوبی گسترده و مبنایی منطقی برای یک رژیم بین‌المللی متمرکز در پیوند با بخش انرژی منطقه ضرورت می‌یابد.

همکاری بر بنیان نبود چیرگی سیاسی

از دیدگاه جغرافیایی، منطقه آسیای مرکزی - خزر، کشورهای اتحاد جماهیر شوروی سابق از قبیل؛ آذربایجان، ترکمنستان، قزاقستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و همچنین ایالت سین کیانگ چین و مناطق ساحلی ایران و روسیه را در بر می‌گیرد. همچنین در این منطقه کشورهای قدرتمندی مانند ایالات متحده آمریکا، کشورهای هموند با ناتو و اتحادیه اروپا در پی دستیابی به منافع خارجی خویش هستند. یک همکاری سودبخش و کارآمد نیازمند این است که تمامی جناح‌های ذی‌نفع در منطقه پیرامون مجموعه مشترکی از قوانین و سنجه‌ها به توافق برسند. این قوانین و سنجه‌ها الگوهای شناخته شده کاربردی را هدایت خواهند کرد که پیرامون محور آنها انتظارات مورد نظر گروه‌ها متمرکز می‌شود.^۱ هدف اصلی ما در این پژوهش، ارائه مجموعه کارآمدی از قوانین مورد قبول دو جانبه است. این مجموعه ممکن است مبنایی تجویزی برای پایه‌ریزی نظام بین‌المللی آینده انرژی به شمار آید. به سخن دیگر، پیش‌بینی مقررات در زمینه پادمان‌های منطقه‌ای و تعیین راه درست در این تنش‌ها می‌بایست بر مبنای کنکاشی جامع پیرامون موضع هر یک از کشورهای منطقه و نیز رفتار تمامی نهادهای سهیم در بخش انرژی منطقه صورت پذیرد.

«زیگنیوف برژینسکی»^۲ در سال ۱۹۹۷، روند پیکار برای دستیابی به چیرگی

Princeton, NJ: Princeton University Press, 1986, pp.226-254.

1. Oran R. Young, "International Regimes: Problems of Concept Formation". *World Politics*, No.32, 1980, pp.331-56.
2. Zbigniew K., Brzezinski., *Grand Chessboard: American Primacy and its*

(هژمونی) بین‌المللی در منطقه آسیای مرکزی - خزر را یک غنیمت بزرگ جغرافیایی - سیاسی برشمرد. وی اینگونه استدلال می‌نمود که چیرگی جهانی آمریکا مستقیماً بستگی به مدت زمان دوام شیوه اثربخشی این برتری در قاره اوراسیا دارد. این دیدگاه معرف مکتب فکری واقع‌گرایان در نگره‌های روابط بین‌الملل است. در این دیدگاه اینگونه فرض می‌شود که تنها زمانی می‌توان عملکرد موثر یک نظام بین‌الملل را نگاهبان بود که بر مبنای سلطه سیاسی بی‌چون و چرا یک کشور باشد.

پیرو آن، رهبری این چیرگی سیاسی که هم‌اکنون در دستان آمریکا است؛ که می‌بایست مواضع قدرتمندانه‌ای داشته باشد. در چنین بافت نگره‌ای، ایالات متحده آمریکا ملزم به پیشگامی در اقتصاد سیاسی جهان است؛ درست همان‌گونه که هم‌اکنون تلاش‌های جهانی ضد تروریستی را رهبری می‌کند.^۱ به یقین، بازرگانی بین‌الملل که وابسته به اصول امنیت ملی آمریکا است؛ تنها در پناه قدرت سیاسی شکل می‌گیرد.^۲

این دیدگاه مشکلاتی را همراه دارد. اگر کشور سلطه‌جو روشی مسالمت‌آمیز و توأم با نرمش در پیش گیرد، دول پیرو نیز می‌توانند از مشارکت در «نظام بین‌المللی مورد پشتیبانی» چنین کشور رهبری، به منافع ویژه‌ای دست یابند. به هر حال، اگر این شرایط وجود نداشته باشد، نظام یاد شده یا فرو می‌پاشد و یا از همان آغاز، به سرانجام نمی‌رسد.^۳ در نهایت، با فروکش نمودن قدرتهای سلطه‌جو ممکن است نظام‌های بین‌المللی تحت حمایت آنها، با بی‌ثباتی فزاینده‌ای روبرو شوند و تحت فشار چارچوبهایی مانند قدرتهای کوچکتر، ملی‌گرایی و سیاستهایی که خواستار روشن

Geostrategic Imperatives. New York: Basic Books, 1997, p.150.

1. Joseph S., Nye. *Bound to Lead: The Changing Nature of American Power*. New York: Basic Books, 1990, p.220.

2. Gowa, Joanne. *Allies, Adversaries, and International Trade*. Princeton, NJ: Princeton University Press, 1993, p.45.

3. Robert Gilpin, *The Political Economy of International Relations*. Princeton, NJ: Princeton University Press, 1987, p.126.

شدن وضعیت همسایه‌های آنهاست،^۱ از هم فرو یاشند.^۲

مکتب فکری لیبرال در نگره روابط بین‌الملل، دیدگاه دیگری را ارائه می‌دهد. نهادگرایان نئولیبرال این‌گونه دلیل آوری می‌کنند که همکاری بین‌المللی بدون وجود یک رهبر نیز شدنی است. به باور این گروه، نهادهای بین‌المللی باید با کاهش هزینه‌ها، در اختیار قرار دادن منابع اطلاعاتی و پایه‌ریزی اصول کلی و تجربی در راستای مسیر درست سیاست‌گذاری، برای پیدایش چنین همکاری بین‌المللی تلاش کنند. همکاری بین‌المللی در غیاب یک رهبر هم‌مونیک، وجود منافع مشترک میان شرکت‌کنندگان را منتفی می‌سازد. در برابر پیروی از قوانین و هنجارهای مشترک، بگونه‌ای یکسان، و با اراده مشترک - تمامی هموندان - برای تعدیل سیاستهایی که تقاضای سایرین را نیز مدنظر قرار می‌دهد - از الزاماتی است که طبق این مکتب فکری بایستی مورد توجه قرار گیرند.

سه دیگر و نوین‌ترین برداشت در اقتصاد سیاسی بین‌الملل، به نقش باورها، سنجها، اهداف و ارزشهای چیره می‌پردازد. در این دیدگاه، اهداف اجتماعی مشترک مطابق اراده و تواناییهای بازیگران در نیل به یک اجماع و باورهای هنجاری است. همین اهداف سرچشمه قدرتمند، و گروهی را برای آفرینش و گسترش پادمانها پدید می‌آوردند.^۳ از دیدگاه ساختارگرایان، ماهیت نظام‌ها بر مبنای تعاریف بسیار قانونمند قواعد و الزامات نیست، بگونه‌ای که می‌توان آنها را مجدداً مورد مذاکره قرار داد و یا بسادگی از آنها چشم پوشید. به عقیده این گروه، بایستی ساختارهای نظام‌مند ذهنی مانند مفاهیم، انتظارات و درک اجتماعی مشترک، در پایه‌ریزی مبنای

1. Beggar-the-Neighbor

2. Robert O. Keohane and Joseph S. Nye., *Power and Interdependence*. 3rd ed., New York: Longman, 2001, p.20.

3. H. V. Milner, "International Political Economy: Beyond Hegemonic Stability". *Foreign Policy*, No.110, 1998, pp.112-124.

نهادهای بین‌المللی بکار رود.^۱ تمرکز هنجارگرایان و ساختارگرایان پیرامون چنین ساختاری، از سوی کسانی تأیید می‌شود که برای جامعه مدنی جهانی، اصول اخلاقی بین‌المللی و بافتهای مدنیت در اقتصاد سیاسی جهان اهمیت شایانی قائل هستند.^۲ سوگیری این گفتار با باور لیبرال‌ها در زمینه «همکاری بدون یک قدرت «هژمونیک» می‌باشد موافق است؛^۳ اما در همان حال نیز اهمیت وجود یک مبنای هنجاری برای پایه‌گذاری یک نظام کارآمد آینده بین‌المللی در بخش انرژی منطقه آسیای مرکزی - خزر، مورد تأکید قرار می‌گیرد. می‌توان بر این باور بود که چنین همکاری تنها زمانی ممکن است که قوانین بازی بر مبنای سازش متقابل بوجود آید و به صورت یک نظام بازرگانی در آینده^۳ شکل گیرد. در این راستا، یک چارچوب مفهومی، پیشنهاد می‌شود که می‌توان این قوانین را بر مبنای قیاس نظری تبیین نمود. در این روش که بدان اشاره خواهد شد؛ ابتدا باید انسجام رفتار تمامی بازیگران در زمینه حداکثرسازی مطلوبیت - در چارچوب یک الگوی نظری منفرد - از جانب همگان پیروی شود. دوم: چارچوب نظری، بازبها را می‌توان در جهت اثبات این امر بکار گرفت که تحت کدام شرایط و محدودیتها، رفتار حداکثرسازی مطلوبیت مبتنی بر منافع کشورهاست، این مسئله می‌تواند منجر به حداکثر تابع مطلوبیت گروهی شود. در پایان، شرایط اقتصادی - سیاسی لازم برای همکاری مؤثر در چارچوب قوانین و معیارهای نظام آینده همکاری، در توسعه بخش انرژی منطقه آسیای مرکزی - خزر ارائه خواهد شد.

1. Alexander Wendt., "Collective Identity Formation and the International State", *American Political Science Review*. NO.88, 1994, pp.384-396.

2. W. Robert Cox, and Micheal G. Schechter. *The Political Economy of a Plural World: Critical Reflections on Power, Morals and Civilization*. London; New York: Routledge, 2002.

3. Would-be Trade Regime

ویژگیهای جغرافیایی سیاسی منطقه

منطقه آسیای مرکزی - خزر هیچگاه پرسمان یک پژوهش هنجاری نبوده است. این بدان معناست که چنین تحقیقاتی بجای تمرکز ویژه بر روی منافع ملی کشورهای درگیر، یا مزایای مورد انتظار سرمایه گذاران بین المللی، به پیشنهادهایی مانند سنجها و قوانین، برای این پیکار بین المللی می پردازد. در ضمن، اهمیت چنین پژوهشی بدون شک نیازی بنیانی است. اول اینکه؛ تدوین یک چارچوب هنجاری - به دلیل اهمیت منطقه آسیای مرکزی - خزر از نظر جغرافیایی - سیاسی - در سراسر جهان ضرورت دارد. دوم؛ تحلیل اقتصاد سیاسی بین الملل برحسب اصول اخلاقی بین المللی، تعهدی است که در کمال ناامیدی پیدایش آن، به زمان دیگری سپرده شده است. در واقع، در عصر به هستی آمدن «جهانی شدن» و نفوذ آن در ارزش فزونی یا کاستن مسائل جهانی، نیاز به انجام این تحلیل، بیشتر و بیشتر می شود.

باتوجه به ویژگی منطقه در اقتصاد سیاسی جهان، توجه به نکات زیر اهمیت دارد:

۱. منطقه آسیای مرکزی - خزر دارای ذخایر استراتژیک نفت و گاز طبیعی است برابر با آمارهای آماده در مجله نفت و گاز (سال ۲۰۰۲). این منطقه ۴/۱ درصد از ذخایر نفت جهان و ۲/۴ درصد از ذخایر گاز طبیعی را داراست. وجود چنین گنجینه‌ای از منابع انرژی سبب می شود تا این منطقه از اروپای باختری، از سایر مناطق پیشی بگیرد و با ذخایر آمریکای مرکزی و جنوبی و همچنین آمریکای شمالی برابری کند.

۲. منطقه آسیای مرکزی - خزر منبع نگران کننده‌ای برای نظام (راژمان) پیمانهای کنونی ناتو بشمار می رود. از اینرو، هموندان ناتو و اتحادیه اروپا، سیاست گسترش به شرق را پیش رو می گیرند. چرا که برای بهره برداری از منابع این منطقه، شمار پیمانهای بین المللی بسته شده میان چندین کشور نمی تواند چاره گشا باشد. این منطقه بگونه‌ای بالقوه می تواند میان قدرتهای هسته‌ای، مانند روسیه، چین و یا

کشورهایی که در راستای رسیدن به چنین قدرتی گام برمی دارند، اختلافاتی را بوجود آورد.

۳. منطقه به عنوان بخش مهمی از جهان اسلام در گیرودار تنشهای منطقه‌ای گرفتار شده است. در واقع، این منطقه همبستگی با بیکارهای اسلامی - سیاسی دارد که بالقوه شرایط موجود را نمی پذیرند. این امر حتی در ایالت زین چیانگ چین و کشورهای اتحاد جماهیر شوروی سابق نیز صادق است.

ملاحظات جغرافیایی - سیاسی مشکلی را نمایان می سازد که مستقیماً در پیوند با جایگاه رشد نیافته اصول اخلاقی بین‌المللی است. در حالیکه، در جغرافیای سیاسی و روابط بین‌الملل بطور معمول مبنای موهبت‌های طبیعی، وضعیت استراتژیک و تواناییهای یک کشور مقتدر طبقه‌بندی شده است. اما در این طبقه‌بندی به سنجه‌های بین‌المللی حاکم بر رفتار کشورها توجه اندکی شده است. بنابراین، حتی هم‌اکنون، تحلیل جغرافیایی - سیاسی، بطور معمول بصورت «بازی با حاصل جمع صفر»^۱ اجرا می‌شود؛ به این ترتیب که پیروزی یک کشور نشانگر زیان کشور دیگری است. در ضمن، سپری شدن زمان، بذیرای بروز دگرگونی‌هاست. دوره‌ای که کشورهای به اصطلاح خطاکار (بویژه آنهایی که قوانین و عرف بین‌المللی را نقض می‌کنند) برای ایجاد تعامل در وضعیت ناپایدار ژئواستراتژیک خود تواناییهای هسته‌ای بدست می‌آورند و در غیر این صورت نیز توانایی انجام این کار را ندارند، منطبق با بازی با حاصل صفر، سرانجامی نیکویی ندارد. این منطبق منجر به هیچ می‌شود، چرا که شهروندان دول پر قدرت تمایل اندکی را برای تحقق اهداف جاه‌طلبانه کشورهای متبوعشان به شیوه جنگ می‌بینند. اصول اخلاقی بین‌المللی مشترک بایستی جایگزین منطبق متفکران قدیم ژئوپلیتیک، یعنی «برنده تمام امتیازات بازی»^۲ گردد.^۳ گسترش نظامهای بین‌المللی همکاری در چند منطقه حساس جهان و باتوجه به موارد بالقوه

1. Zero-Sum

2. Winner-Takes-all

3. Anatol Rappaport, "The Use Minus of Game Theory". *Scientific American*, CCVII (Dec 1961), p.118.

متعارض در اقتصاد سیاسی بین‌المللی، روش دیگری است که بایستی در آینده مدنظر قرار گیرد اما افسوس تاکنون در منطقه آسیای مرکزی - خزر چنین تلاشی صورت نپذیرفته است.

اگرچه به اصول اخلاقی بین‌المللی توجه چندانی نگردیده است؛ اما منطقه آسیای مرکزی - دریای خزر به سبب اینکه جایگاهی برای بازی نوین ژئواستراتژیک محسوب می‌شود؛ بطور ناگهانی به اولویتهای بسیاری دست یافته است؛ زیرا این بازی نوین ممکن است در دهه‌های بعد منجر به تحقق پیشرفتهای سیاسی و اقتصادی جهان شود. بازیگران این بازی عبارتند از: ۱. دول ملی منطقه؛ ۲. قدرتهای کلیدی و مهم منطقه مانند ایران، ترکیه، روسیه و چین؛ ۳. قدرتهای جهانی و سازمانهای بین‌المللی نظیر ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا و ناتو؛ و ۴. شرکتهای فراملیتی. هر یک از این بازیگران در دستیابی به منابع انرژی منطقه سهم عمده‌ای دارند.

روسیه و آمریکا بازیگران اصلی به شمار می‌روند. بطوریکه روسیه تلاش دارد تا نفوذ آمریکا را در منطقه کاهش دهد. اگر روسیه بتواند به واسطه شبکه‌ای از پیمانهای جهانی مجدداً کنترل منطقه آسیای مرکزی - خزر را بدست گیرد، موقعیتش به عنوان یک میانجی استراتژیک یا کانون اصلی عرضه انرژی، از کشورهای این منطقه به اتحادیه اروپا پایدار خواهد شد. به هر تقدیر، چنانکه انتظار می‌رفت، روسیه به حضور نظامی آمریکا در منطقه بدگمان است. اگرچه باتوجه به تروریسم و هوشیاری در برابر جنبشهای بنیادگرایان اسلامی و مواردی مشابه، این کشور هنوز به اصول مشترک امنیتی پایبند می‌باشد.

به هر حال، دگرگونیهای کنونی نشان می‌دهد که آمریکا ممکن است به شدت در منطقه آسیای مرکزی و خزر درگیر شود. نه تنها حضور بلند زمان آمریکا در عراق و افغانستان، زمان استقرار سربازان آمریکایی را در آسیای مرکزی به درازا کشانده، بلکه همچنین شرکتهای آمریکایی برای دستیابی به سود بازرگانی در منطقه، با روسیه و اتحادیه اروپا به پیکار پرداخته‌اند.

سازمانهای تندرویی که به موازات القاعده در این بخش از جهان به پیدایی آمده‌اند؛ تلاش‌هایشان را در سوی عملیات تروریستی مشابه در برابر غرب و روسیه سازمان می‌دهند. برای نمونه، جنگ در عراق موفق به حذف شبکه‌های جهانی تروریستی نشد. این شبکه‌ها در صدد آن هستند تا پایگاههای پایدار و نوینی مانند چین و گرجستان در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز، بوجود آورند؛ زیرا این کشورها راهروهای اصلی ترابری برای صادرات نفت خزر و گاز آسیای مرکزی به باختر زمین بشمار می‌آیند.

راهکارهای پرسمان

با وجود اینکه نفت خزر و گاز آسیای مرکزی بگونه‌ای یکسان توجه سیاستگذاران و پژوهشگران را به خود جلب کرده‌است؛ اما تاکنون توسعه منطقه عمدتاً وابسته به انجام یک تحلیل تجربی - توصیفی پیرامون وضعیت منطقه بوده‌است. در واقع هیچ تلاشی برای نظریه پردازی یا الگوسازی روشهای بانقود پیشرفت در منطقه صورت نپذیرفته و هیچ پژوهشگری تاکنون از دیدگاه تجویزی - هنجاری این پرسمان را مورد ارزیابی قرار نداده‌است.

ساختار حکومتی در نظامی که برای گسترش بخش انرژی منطقه در آیند شکل می‌گیرد، نمی‌تواند بدون درک کامل از آن چیزی که بنیان کارآمدی را در منطقه بوجود می‌آورد، به موفقیت دست یابد. برای بررسی همه جانبه وضعیت منطقه بایستی، تحلیل پیرامون جدیدترین روندهای توسعه انرژی از یک دیدگاه مثبت و مبتنی بر واقعیت را با یک تحلیل هنجاری - تجویزی در زمینه روابط بین الملل تلفیق نمود. چه آنکه یک مطالعه هنجاری در بررسی مقررات و تعهدات موفق منطقه‌ای، برقراری یک نظام همکاری بین المللی را برپا می‌نماید.

چارچوب نگره‌ای

اکنون پرسمان پژوهش از دیدگاه نگره اصلاح شده گزینش عقلایی پی گرفته می‌شود. پیشگامان این نگره کوهن^۱ و فرای^۲ بودند و روشی نوین برای بررسی نظامهای بین‌المللی به پیش کشاندند. این روش بیانگر پیدایش، نگاهبانی، و پیامد همکاری برحسب رفتار مبتنی بر منافع شخصی تک تک بازیگران می‌باشد. به هر حال، این رفتار می‌تواند برای کل نظام بین‌المللی نتایج بهینه‌ای را به ارمغان آورد.

نگره پردازان روابط بین‌الملل ترمیمات بنیانی را در «الگوی سنتی رفتار عقلایی و مبتنی بر منافع شخصی بازیگران» ارائه داده‌اند. این گروه اهمیت فرهنگ و هویت را به عنوان ساختارهای متصور و هنجاری مورد تأکید قرار می‌دهند. این ساختارها می‌توانند به اندازه ملاحظات پیرامون مطلوبیت محض در تشکیل زیربنای روابط بین‌الملل، حایز اهمیت باشند. اکنون در چارچوب تحقیق، هر دو نظریه را با هم آمیخته کرده و در همان حال که دقت کمی نسبت به تئوری سنتی انتخاب عقلایی حفظ می‌گردد، به نظام آینده انرژی در منطقه، منطبق با بازیگران بین‌المللی در فرایند گفتمان‌های منطقه‌ای، بویژه از ابعاد فرهنگی و هنجاری توجه می‌شود.

در حقیقت، برتری اصلی چارچوب نظری پیشنهادی در این است که می‌تواند زمینه لازم را برای مطالعه تجربی دقیق پیرامون بنیانگذاری نظام بین‌المللی تدارک دهد. همچنین، مطابق با این چارچوب می‌توانیم انتقاداتی را که برابر تئوری سنتی انتخاب عقلایی - به دلیل عدم توانایی آن برای توصیف جامع و

1. Robert O. Keohane, *After Hegemony: Cooperation and Discord in the World Political Economy*. Princeton, NJ: Princeton University Press, 1984. p.63.

2. Bruno S. Frey, "The Public Choice View of International Political Economy", *International Organization*, No.37, 1984, pp.199-224.

تحلیل حساسیتهای فرهنگی پدیده مورد بحث مطرح گردیده است. مورد بررسی دقیق قرار دهیم. روش ترمیم شده انتخاب عقلایی امکان الگوسازی کیفی را برای روشهای آینده توسعه مهیا می سازد. بطوریکه هیچ روش دیگری توان چنین کاری را ندارد. همچنین این روش فرصتی کافی در جهت برآورد اهمیت هنجارها، ارزشها و عوامل متصور مربوطه در بنیان گذاری نظام بین المللی بوجود می آورد. این روش بی همانند است، چراکه با این روش می توان مشکلاتی را که در روند تحقیق بر مبنای کیفیت داده های تجربی، الگوسازی دقیق روندهای توسعه و الگوهای رفتار میان کشوری و پیدایش بافت فرهنگی از فراسنجه های ستاده بوجود می آید، بررسی نمود.

برای آغاز، یک تحلیل نمونه ای مطلوب انجام می دهیم و سپس با بهره گیری از داده های فراوان، آن را تکمیل می کنیم. یک نظام ایده آل همکاری انرژی در منطقه آسیای مرکزی - خزر بایستی ضابطه های «اثر بخشی پارتو»^۱ را برآورد سازد. «کارایی پارتو» یک واژگان جامعه شناختی است و زمانی بکار می رود که «دست کم وضع یک گروه بهتر شود، بدون آنکه شرایط گروه دیگری بدتر گردد» و در معنای گسترده کلمه یعنی؛ هر دو طرف به پیروزی دست یابند.^۲ حرکت به سمت این وضعیت مطلوب، که تحت عنوان «بهبود بخشی پارتو» نامیده می شود، بدان معناست که حداقل برخی بازیگران توابع مطلوبیت خاصشان را افزایش دهند، در حالیکه سایر بازیگران یا در همان مسیر پیشرفت کنند و یا وضعیت کنونی خود را نگاهبان باشند. چنین حرکتی به عنوان مبنای ایجاد یک نظام همکاری بین المللی انرژی نسبت به بازی معروف حاصل جمع صفر برتری دارد؛ چراکه در این بازی منافع یک بازیگر برابر بازیگر دیگر است.

برای رسیدن به هدفی مطلوب در گزارش، می توان موقعیت کارایی پارتو را

1. Pareto-Efficient
2. Vilfred Pareto, *The Mind and Society*, A. Vongino and A. Livingston Trans., New York: Harcourt Brace Company, 1935, pp.2170-2175, www.SID.ir

بمثابه وضعیتی تعریف نمود که می‌تواند منافع نظام‌مندی را به واسطه تجهیز منابع انرژی برای کل منطقه به ارمغان آورد. این امر همچنین بدان معناست که تمامی بازیگران در یک نظام انرژی منطقه‌ای بایستی از نقشهای تجویزی خود خشنود باشند و توانایی لازم برای افزایش یا حفظ منافع خاصشان را در منطقه دارا باشند. موقعیت بازیگران در منطقه آسیای مرکزی - خزر هم‌اکنون، بر مبنای نگره «کارایی پارتو» نیست؛ زیرا در این منطقه هیچ مبنای قانونی بچشم نمی‌خورد که بتوان براساس آن مذاکره‌ای جهت هدایت این اصول برقرار ساخت. پژوهش پیرامون جنبه‌های هنجاری توسعه نظام بین‌المللی، بایستی به اجزای سازنده درون ذهنی برای تشکیل هویت منطقه و نهادسازی توجه خاصی معطوف دارد. آشکارا، چنین روشی مفاهیم ضمنی مثبتی را برای صلح جهانی به ارمغان می‌آورد که به شیوه معنی‌داری می‌تواند در اصلاح گرایش‌های بازیگران به سمت آشوب و ناپایداری عمومی در منطقه، مؤثر واقع شود.^۱

روش‌شناسی

الگوی پژوهش تلاش‌های کلیدی ذیل را در برمی‌گیرد:

۱. تشخیص بازیگران کلیدی و مهم و نقش آنها در منطقه. تمامی بازیگران

عمده منطقه را می‌توان به تولیدکنندگان انرژی، مصرف‌کنندگان و یا سازندگان زیرساخت‌های اقتصادی، بخش‌بندی نمود. در این پژوهش، تاجیکستان و قرقیزستان به‌عنوان دو بازیگر مستقل، در نظر گرفته می‌شوند؛ زیرا آنها ذخایر استراتژیک منابع انرژی ندارند و تحلیل نقش چین نیز عمدتاً محدود به ملاحظات ژئوپولیتیک می‌باشد. ترکیه نیز در پیوند با زیرساخت‌های انرژی‌اش از خطوط لوله نفت و گاز (و همچنین مسیرهای راهبردی موجود در این کشور به سمت اروپا) در درون این تحلیل

1. Peter J. Katzenstein, *The Culture of National Security: Norms and Identity in World Politics*. New York: Columbia University Press, 1996, p.83.

جای می‌گیرد.

۲. تعیین و تشخیص توابع مطلوبیت بازیگران یا انگیزه‌های رفتاری آنان.

همانگونه که در اقتصاد تابع مطلوبیت رفتار مصرف‌کنندگان قابل بررسی است؛ در اینجا نیز گمانه اصلی بر مبنای رفتار عقلایی از سوی کسانی است که در بخش انرژی منطقه مبالغی را سرمایه‌گذاری کرده‌اند. هر بازیگر، به‌عنوان یک نماینده خردمند در پی حداکثر ساختن سود حاصل از بهره‌برداری از منابع انرژی منطقه می‌باشد. این منافع در اصل، همان سود مورد انتظار از سرمایه‌گذاری در بخش انرژی منطقه است.^۱

۳. اعمال محدودیتهای اقتصادی و سیاسی روی رفتار بازیگران.

راستای الگوسازی رفتار عقلایی بازیگران مبنی بر حداکثرسازی لازم برای کسب بازده مورد انتظار از تجهیز منابع انرژی در منطقه، کاربرد محدودیتهایی ضرورت دارد. محدودیتهای اقتصادی به واسطه تحلیل تراز پرداختها و باتوجه به تجهیز منابع انرژی منطقه، ارزیابی خواهند شد. محدودیتهای سیاسی نیز به صورت ویژه در پیوند با سیاست هر کشور و یا بگونه‌ای منظم اعمال می‌گردند. اولین گروه محدودیتهای شامل توسعه جامعه مدنی و حکومت قانون، پیشرفت به سوی دموکراسی کثرت‌گرایانه و حضور یا عدم حضور چارچوبی نهادین برای کارآمدی اقتصاد می‌باشد. دومین گروه محدودیتهای سرچشمه گرفته از تحلیل روابط اقتصادی - سیاسی بین‌المللی است، زیرا این مهم از دیدگاه سیستماتیک می‌تواند تأثیراتی را در منطقه بوجود آورد. ملاحظات امنیتی و ژئوپولیتیکی به همراه تحلیل گسترده رویدادهای سیاسی بالقوه و کنونی در کشورهای ذی‌نفع مدنظر قرار می‌گیرند.

۴. ارزیابی بازده‌های مورد انتظار بازیگران. با توجه به محدودیتهای

سیاسی و اقتصادی هر کشور، این ارزیابی می‌تواند راهکاری برای حل

1. John Von Neumann, and Oskar Morgenstern, O. *Theory of Games and Economic Behavior*. Princeton: Princeton University Press, 1944, p.63.

و فصل مسئله حداکثرسازی سودهای پیش‌بینی شده در منطقه ارائه دهد. اما بایستی یادآور شد که بود یا نبود بازده مورد انتظار از سرمایه‌گذاری در منطقه، به احتمالات بستگی دارد و به همین سبب این متغیر را بعداً [پس از اینکه چنین بازدهی حاصل شد] در ارزیابی راهبردهای بالقوه بازی بکار می‌بریم.

۵. ارزیابی گسترش بخش انرژی منطقه بر مبنای بازیها. در این پژوهش

تلاش می‌شود تا برای رسیدن به نتیجه نهایی بازی، از رفتار تمامی بازیگران مبتنی بر منافع شخصی آنها در منطقه، به پیامدهای بالقوه دست یابیم. هنگامی که بازده مورد انتظار هر کشور از احتمالات وابسته به آن حاصل می‌شود؛ بازی به شکلی جامع و متمرکز برقرار می‌گردد. نتیجه بازی برقراری تعادل ناش^۱ در استراتژیهای ترکیب شده می‌باشد و زمانی بدست می‌آید که هر بازیگر با در نظر گرفتن فراوانی (احتمال) انتخاب سایر بازیگران، فراوانی بهینه (احتمال) خود را انتخاب کند^۲ و بر همین مبنای استراتژی مطلوب را در منطقه به اجرا در آورد. چنین تعادلی همیشه وجود دارد. این تعادل برای ارزیابی تمامی استراتژیهای توسعه منطقه، از قبیل نمایش نتایج حاصل از عدم همکاری در منطقه بکار می‌رود.

۶. تشخیص کل منافع منطقه و خواستگاه وضعیت کارایی پارتو. وضعیت

کارایی پارتو به منظور ایجاد حس همکاری میان بازیگران منطقه هدف مطلوبی را در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد. تابع منافع کل^۳ از مجموع توابع سود تک تک بازیگران ناشی می‌شود و به سادگی قابل تشخیص است. تنها محدودیتی که روی این تابع اعمال می‌شود آن است که این تابع باید سود هر کشور را فزونی بخشد. محدودیتهای کلی، شامل مجموع تراز

1. Nash-Equilibrium

2. Hal R. Varian, *Intermediate Economics: A Modern Approach*. New York: W.W.Norton, 1996, p.110.

3. Aggregate Gains Function (AGF)

پرداختهای هر کشور، ذخایر نفت و گاز منطقه و کل شاخصهای سیاسی است.

۷. مقایسه نتیجه بازی با وضعیت «کارایی پارتو». به منظور دستیابی

بند مجموعه مورد نیاز شرایط (قوانین) اقتصادی و سیاسی در جهت حرکت از وضعیت عدم همکاری (تعادل ناش) به سمت برقراری وضعیتی مطلوب (وضعیت کارایی پارتو) در منطقه، تعادل ناش در استراتژیهای ترکیبی در منطقه با وضعیت کارایی پارتو مقایسه خواهد شد. مجموعه قوانین به سطح منافع هر بازیگر در منطقه انرژی آسیای مرکزی - خزر تجزیه می شوند.

در راستای کاربرد این روش، راهها و ابزارهای ویژه زیر مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد و برای تعریف توابع سود مورد انتظار، محدودیتهای سیاسی و اقتصادی عبارتند از:

- تشخیص شاخصهای عمده سیاسی و اقتصادی بر مبنای داده‌های آماری گردآوری شده توسط سازمانهای بین‌المللی، از قبیل بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان ملل متحد؛

- تجزیه و تحلیل داده‌ها توسط کارشناسان بومی کشور مبدأ؛

- تحلیل اقتصادسنجی داده‌ها برای یافتن عوامل معنادار آماری؛

- تحلیل اقتصادی و اقتصادسنجی تراز پرداختهای هر کشور در جهت برقراری

جریان کالا، خدمات و دارائیه‌ها، همراه با تجهیز فعلی و همچنین بالقوه منابع انرژی منطقه؛

برای تعریف بازده مورد انتظار نیز موارد مهم عبارتند از:

- تشخیص تحلیلی مسئله حداکثر سازی سود، بسته به محدودیتهای

اقتصادی و سیاسی هر کشور؛

- راه‌حلی تحلیلی برای حل مسئله بالا، با توجه به محدودیت هر کشور برای

تعریف تعادل ناش شایسته است و به نکاتی مانند:

- تشخیص استراتژی‌های بالقوه تمامی سهامداران در منطقه؛

- ارائه بازی به شکلی جامع و متمرکز و به صورت بدنه تصمیم‌گیری در منطقه،

باتوجه به بازده‌های مورد انتظار، باید توجه کرد.

و برای تعریف وضعیت کارایی پارتو:

- مجموع توابع سود مورد انتظار هر کشور برای بدست آوردن تابع

منافع کل مورد نیاز است. از دیدگاه علم ریاضیات، می‌توان تابع منافع

کل را به عنوان حاصل جمع یا حاصلضرب توابع سود هر کشور تشخیص داد

که هر دو نوع آن بسته به ملاحظاتی در نظر گرفته می‌شوند که عبارت

است از:

- مجموع محدودیت‌های هر بازیگر؛

- تشخیص محدودیت‌های کلی افزون یافته در پیوند با کل منطقه؛

- راه‌حل تحلیلی مسئله حداکثرسازی تابع منافع کل، بسته به تمامی

محدودیت‌های کلی.

در پایان بایستی به این حقیقت اشاره نمود که نظام هنجاری پیشنهادی،

از تحلیل انتقالات فرضی بازیگران در منطقه (دول ملی و شرکتهای فراملیتی نفت و

گاز) از تعادل نیمه‌بهینه ناش به وضعیت کارایی پارتو منتج خواهد شد.

در این وضعیت بهینه کسب منافع هیچ‌یک از بازیگران شرکت‌کننده، به

سود و زیان سایر بازیگران نمی‌انجامد و تمامی بازیگران در منطقه حداقل

به منافی دست می‌یابند که این امر منجر به افزایش مثبت در وضعیت کنونی

توابع نیمه‌بهینه مطلوبیت آنها می‌شود. می‌دانیم که هیچ راهکاری وجود ندارد

که بتواند تمامی بازیگران را در سطحی برابر خشنود سازد. از اینرو، بایستی

«کارایی پارتو» را مدنظر قرار داد که می‌تواند به جای رسیدن به وضعیت کارایی

پارتو، هدفی تحقق‌پذیر و مبتنی بر واقعیت را در چرخش به سمت چنین

وضعیتی رهنمون نمود. با تحلیل محدودیتهای خاص هر کشور - که از بهینه‌سازی توابع مطلوبیت بازیگران جلوگیری بعمل می‌آورد - مجموعه توصیه‌هایی بدست خواهد آمد. در پی آن می‌توان ماهیت اینگونه محدودیتهای، که برخی اقتصادی و گروهی نیز سیاسی - اجتماعی هستند، مورد ارزیابی قرار داد. در نهایت با در نظر گرفتن محدودیتهای یاد شده و نظریه کارایی پارتو؛ بازیگران منطقه می‌توانند به راحل مناسبی دست یابند.

کتابنامه:

1. Axelrod Robert and Robert Keohane. "Achieving Cooperation under Anarchy". in *Cooperation under Anarchy*, edited by Kenneth A.Oye. Princeton, NJ: Princeton University Press. 1986.
2. Brzezinski. Zbigniew K., *Grand Chessboard: American Primacy and its Geostrategic Imperatives*. New York: Basic Books. 1997.
3. Cox. Robert W. and Micheal G. Schechter. *The Political Economy of a Plural World: Critical Reflections on Power, Morals and Civilization*. London, New York: Routledge. 2002.
4. Frey, Bruno S. "The Public Choice View of International Political Economy", *International Organization*, No.37, 1984.
5. Gilpin, Robert. *The Political Economy of International Relations*. Princeton, NJ: Princeton University Press, 1987.
6. Gowa. Joanne, *Allies, Adversaries, and International Trade*. Princeton, NJ: Princeton University Press. 1993
7. Katzenstein, Peter J., *The Culture of National Security: Norms and Identity in World Politics*. New York: Columbia University Press. 1996.
8. Keohane, Robert O., *After Hegemony: Cooperation and Discord in the World Political Economy*. Princeton, NJ: Princeton University Press. 1984. NJ
9. Keohane Robert O. and Joseph S. Nye., *Power and Interdependence*, rd ed., New York: Longman, 2001
10. Milner, H. V. "International Political Economy: Beyond Hegemonic Stability". *Foreign Policy*, No.110. 1998.
11. Nye, Joseph S., *Bound to Lead: The Changing Nature of American Power*. New York: Basic Books, 1990.
12. Varian, Hal R. *Intermediate Economics: A Modern Approach*. New York: W.W.Norton. 1996.
13. Von Neumann, John and Oskar Morgenstern, O. *Theory of Games and Economic Behavior*. Princeton: Princeton University Press, 1944.

14. Wendt, Alexander. "Collective Identity Formation and the International State", *American Political Science Review*. NO.88, 1994.

15. Young, Oran R. "International Regimes: Problems of Concept Formation". *World Politics*. No.32. 1980.